

بررسی ترجیحات کاربران در ارائه‌ی راهبردهای مداخله در فضای رهاشده به عنوان یک پارک جیبی*

مریم نقیبی^۱ - احمد اخلاسی^{۲*} - محسن فیضی^۳

۱. دکتری معماری منظر، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۳. استاد گروه معماری منظر، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۵ تاریخ اصلاحات: ۱۳۹۹/۰۸/۰۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۸/۲۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۲۹

چکیده

روند سریع شهرنشینی مشکلات بسیاری در توسعه‌ی فضای شهری ایجاد می‌کند. در این میان زمین‌های نسبتاً حاشیه‌ای و فضاهایی باقی‌مانده تولید می‌شوند که امکان وقوع ناهنجاری در آن‌ها وجود دارد. بنابراین بررسی نوع مداخلات در مقیاس کوچک در چنین فضاهایی، بر رفتار کاربر تأثیر گذاشته و می‌تواند تحت تأثیر ترجیحات استفاده‌کنندگان باشد. بر اساس نمونه‌های ارائه شده در سایر نقاط دنیا، این پژوهش با تکیه بر انتخاب یک نمونه از فضاهای رها شده در تهران، امکان ایجاد پارک جیبی^۱ را بررسی کرده است. از این‌رو، برای یافتن مناسب‌ترین نوع مداخله در سایت انتخاب شده، مطالعه‌ی ترجیحات و اولویت‌های افراد ضروری است. با استفاده از مطالعه‌ی توصیفی-تحلیلی و بر اساس روش مقایسه‌های زوجی، این پژوهش با هدف ارزیابی مداخله در اراضی خالی از جمله اولویت‌های ساکنین و نظرهای کارشناسان انجام گرفت. پس از مطالعه در زمینه‌ی ماهیت فضاهای رها شده، نظر شش کارشناس مورد بررسی قرار گرفت. سپس به منظور تعیین اولویت کاربران، گزینه‌های انتخاب شده در مرحله اول، در پرسشنامه تصویری AHP گنجانیده شد. با تجزیه و تحلیل ۱۶۵ پرسش‌نامه، اولویت نخست کاربران برای تبدیل یک فضای رها شده به پارک جیبی، در هر دو گروه خانم‌ها و آقایان، فضای آسایش بود و فضای ورزشی از کم‌ترین انتخاب برخوردار بود. اولویت استفاده از فضاهای باز شهری در گروه‌های سنی ۲۰ تا ۴۰ متفاوت از سایر جامعه‌ی آماری بود. همچنین مقایسه‌ی گزینه‌های فضای نشستن با فضای آسایش، حاکی از اهمیت انتخاب نوع مبلمان شهری در پارک‌های جیبی است. از آنجایی که فضاهای کوچک میان بلوک‌های شهری، برای ساکنین قابل دسترس‌تر هستند، لازم است پارک‌های جیبی به منظور ایجاد فضاهای طبیعی در نظر گرفته شوند و به طور خاص، اولویت ساکنین در استفاده از فضاها در نظر گرفته شود، تا از این طریق، پویایی فضاهای محلی و تجدید حیات فضاهای رها شده امکان‌پذیر شود.

واژگان کلیدی: فضاهای رها شده، فضاهای گم‌شده، پارک‌های جیبی، ترجیحات محیطی، منظر شهری.

* این مقاله مستخرج از مطالعات رساله دکتری نویسنده اول است که با عنوان «مدل مداخله در فضاهای رهاشده‌ی منظر شهری به منظور ارتقاء تاب‌آوری اجتماعی-اکولوژیکی» به راهنمایی نویسنده دوم و سوم در دانشگاه علم و صنعت ایران در سال ۱۴۰۰ به انجام رسیده است.

** E-mail: ekhlassi@iust.ac.ir

۱. مقدمه

پارک‌های شهری فضای مهم چند منظوره عمومی هستند که برای طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. سطح استفاده از پارک‌ها به خصوصیات مکانی فضاها بستگی دارد (Hami et al., 2014). کارمونا فضاها را به لحاظ مدیریتی به دو دسته فضاها شهری با مدیریت پایین و فضاها شهری با مدیریت بالا دسته‌بندی کرد. از نظر او، فضاها گمشده، فضاها عمومی نیازمند طراحی مجدد هستند (Carmona, 2010b; Carmona, 2010a). اگر چه فضاها عمومی اغلب برای فعالیت‌های خاصی طراحی شده‌اند، به نظر می‌رسد وجود فضاها غیربرنامه‌ریزی شده (فضاها رها شده) با منظر شهری آمیخته شده است. در نظر گرفتن راه‌حل‌های متعدد و بهینه‌یابی، کمک به تصمیم‌گیری و طراحی منطقی، افزایش کارایی در طراحی، انتظام بخشی به مراحل مختلف طراحی منجر در حیطه‌ی فرآیند طراحی منظر شهری عنوان می‌گردد. هدف اصلی چنین فرآیندی، ارتقاء بخشی کیفیات محیطی در فضاها شهری است (بهزادفر و شکیمانش، ۱۳۸۷).

این پژوهش در جهت یافتن ترجیحات ساکنین در انتخاب عملکرد مناسب برای فضای رها شده در محله، در راستای ایجاد پارک جیبی انجام شده است. در دهه‌های اخیر، رشد بی‌رویه‌ی کلان‌شهرها از جمله تهران، مشکلات بسیاری را ایجاد کرده است. فضای رها شده در منظر شهری بسیاری از مشکلات اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، کالبدی و امنیتی را در پی داشته است. در تهران گونه‌هایی از فضاها یافت می‌شوند که تعریف خاصی برای آن‌ها ارائه نشده است. این زمین‌ها در دیگر کشورها با نام‌هایی چون زمین‌های قهوه‌ای، فضاها رها شده، فضاها باقی مانده و خلاءهای شهری شناخته می‌شوند که با توجه به سیاست‌های رشد شهری و با هدف استفاده‌ی کمتر از زمین‌های سبز، مورد مطالعه قرار می‌گیرند. گسترش این‌گونه فضاها تعریف نشده یا رها شده به نوعی زوال شهری می‌انجامد. با توجه به گسترش شهر در نواحی حاشیه‌ای، عدم توجه به این‌گونه فضاها می‌تواند تهدیدی جدی برای مناظر شهری تهران باشد. در سال‌های گذشته تبدیل زمین‌های رها شده به پارک و فضای سبز، تا حدی به افزایش فضای سبز تهران کمک نموده و فضایی برای تعاملات و ارتباطات اجتماعی ساکنان محله مهیا نمود. با درختکاری هر زمینی که رها شده و فعالیتی در آن شکل نگرفته بود، و قرارگیری نیمکت، وسایل ورزش و بازی، این فضاها به عنوان پارک‌هایی محلی طراحی شدند، اما این مسئله به یک روند تکراری تبدیل شد. این پارک‌ها در کنار مزایا و فواید آن، دارای معایب و مضراتی از جمله تجمع معتادان بوده و بسیاری از آن‌ها نتوانستند کیفیت فضای اطراف خود را ارتقاء دهند. از نمونه‌ی پژوهش‌های انجام شده در فضاها رها شده،

می‌توان به بررسی ترجیحات محیطی در طراحی فضای زیر پل‌های شهری (لک و رضانی، ۱۳۹۷)، ارزیابی فضاها گمشده و شکل‌گیری فضاها خلاق در میدان عالی‌قاپو شهر اردبیل (Darskhan & Hajisattari, 2016) اشاره نمود. در حالی که اخیراً توجه بسیاری از پژوهشگران و طراحان به امکان صنعتی آلوده معطوف شده است، با این حال تحقیقات نسبتاً کمی در پتانسیل گسترده‌ی انواع مختلف فضاها رها شده در منظر شهری انجام شده است. از طرفی، توجه بیش‌تر طراحان به جنبه‌های توصیفی ارائه شده توسط کاربران و خودداری از تصمیم‌گیری صرف بر اساس استنباط‌های تجویز شده، به ضرورت توجه بر ترجیحات ساکنین نسبت به انواع فضاها اشاره دارد. توجه به ترجیحات کاربر در انتخاب نوع مداخله مؤثر است. انتخاب مداخله تأثیر ویژه‌ای در جلوگیری از تبدیل مجدد فضاها به مکان‌های رها شده دارد. بنابراین ترجیحات کاربر باید در طی مراحل طراحی و ساخت در نظر گرفته شود. این اولویت‌بندی در تدوین راهکارهایی در جهت مدیریت برنامه‌ریزی و استفاده‌ی مجدد از فضاها محلی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. از این رو، پژوهش پیش رو در راستای مداخله در فضاها رها شده، با هدف دستیابی به ترجیحات ساکنین و افزایش مطلوبیت فضایی در پارک‌های جیبی انجام شده است، تا بدین وسیله راهبردهای طراحی با توجه به اولویت کاربران ارائه شود. توجه به اولویت ساکنین در مداخلات فضایی می‌تواند از شکل‌گیری فضاها رها شده جلوگیری نماید.

۲. پیشینه پژوهش

در شرایطی که شهرها در حال انقراض‌اند و جوامع فرصتی برای احیای مناطق و فرهنگ‌های مختلف ندارند، مسئله فضاها رها شده برای بسیاری از برنامه‌ریزان و مدیران شهری در اولویت اصلی خواهد بود (Pearsall & Lu-cas, 2014). فضاها رها شده به عنوان پتانسیل‌های برانگیخته‌ی شهر (Lee et al., 2015)، مهم و به عنوان فرصت‌های نهفته‌ای برای ایجاد تغییرات ضروری هستند (De Sola-Morales, 1996; Armstrong, 2006). شهرهای آینده با فضاها و منابع محدود شهری روبرو خواهند شد. بر این اساس، زمین خالی همانطور که راجر ترانسیک آن‌ها را فضاها باقیمانده می‌نامید، می‌تواند به عنوان یک استراتژی فرصت‌طلبانه برای "توسعه شهری سبز" (Lee et al., 2015) تلقی می‌گردد.

فضاهای باز، فضاها مجاور میان ساختمان‌ها را نیز شامل می‌شود (Chermayeff & Alexander, 1963; Abu-Ghazze, 1996; Ford, 2000, Faizi, 2011). این پژوهش، با تکیه بر این‌گونه فضاها، به عنوان فضاهایی در دسترس و با پتانسیل‌هایی بالقوه در جهت بررسی ترجیحات کاربران گام برداشته است. پارک‌های شهری فضاها مهم و چند منظوره‌ی عمومی هستند که برای

Millington, 2015; Newman et al. 2016; Zhang & Klenosky, 2016). با این حال، بروز این حفره‌ها به عنوان بخشی از بافت شهری در کلان‌شهرهای معاصر معمول است و فرصت‌های بسیاری در جهت ارتقاء فضاهای رها شده با رویکردهای زیست محیطی و اجتماعی وجود دارد (Hollander et al., 2011; Pallagst et al., 2017; Pearsall & Lucas, 2014; Kim & Kim, 2012; Mofidi Shemirani & Saeidi mofrad, 2015; Torres et al., 2018; Madanipour, 2018). اگرچه تصور می‌شود که فضاهای رها شده ذاتاً فضاهایی منفی و سمبل سقوط یا مشکلات شهری هستند (Trancik, 1986; Franck & Stevens, 2007; Garvin et al., 2013; Kim, 2015; Newman et al., 2016; Li et al., 2018; Mahmoudi Farahani & Maller, 2019; Zhang et al., 2019). با این حال، این پژوهش نشان می‌دهد که این فضاها می‌توانند به عنوان پتانسیل‌هایی بالقوه و فضاهایی جایگزین (Bowman & Pagano, 2004; Burkholder, 2012; Kremer et al., 2013) در راستای تعاملات و فرآیندهای انسانی و غیر انسانی عمل کنند (Shemirani & Mofrad, 2015).

۲-۲- مفهوم پارک جیبی

در سال ۱۷۳۳ و به ابتکار سه نفر از ساکنان نیویورک، اولین پارک جیبی (تقریباً ۲۰۰۰ متر مربع) به نام بولینگ گرین^۴ طراحی شد (Seymour, 1969). پارک‌های جیبی یا مینی پارک‌ها^۵ به عنوان فضاهای سبز کوچکی در منظر شهری تعبیه شده‌اند. این پارک‌ها، به عنوان فضاهای کوچک شهری، فضاهای کوچک آرامش‌بخشی را در میان خیابان‌های شلوغ شهر (Shinew et al., 2004) و مکان‌هایی را برای استراحت یا معاشرت ایجاد می‌کنند (Pescharadt et al., 2014., Gibson & Canfield, 2016).

پس از جنگ جهانی دوم، مفهوم پارک جیبی در اروپا مطرح شد. سپس، مفهوم ایجاد فضای سبز در زمین‌های کوچک توسعه نیافته، با الهام از تجارب اروپایی، در آمریکا مطرح شد. در سال ۱۹۱۴، چارلز داوینگ لی^۶، پارک‌ها را بر اساس اندازه آن‌ها طبقه‌بندی کرد. بر این اساس، پارک‌های جیبی کوچک‌تر از پارک‌ها یا زمین‌های بازی بودند. مفهوم پارک جیبی در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، به دلیل دسترسی محدود به فضای سبز عمومی در آمریکا، ظهور کرد. از آن‌جا که فرآیند توسعه و مترجم‌سازی در شهرها منجر به فضاهای سبز یا تفریحی ناکافی در محله‌ها شد، یافتن زمین توسعه نیافته به منظور ایجاد یک فضای عمومی جدید دشوار بود. در اوایل سال ۱۹۶۵، به دنبال فراخوان هوینگ^۷ برای ایجاد فضای سبز عمومی در ابعاد یک ساختمان (Labuz, 2019)، ایده‌ی این پارک‌ها در نیویورک رواج یافت و پلی پارک^۸ به عنوان اولین پارک جیبی معرفی شد. چندین مزیت برای پارک‌های جیبی وجود دارد: با آن که پارک‌های جیبی از مزیت‌هایی همچون اشغال کم‌تر زمین و دسترسی روزانه‌ی ساکنان

طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند (Faizi, 2006). امروزه به دلیل تراکم بسیار زیاد در اکثر محلات کلان‌شهرها، کمبود فضای باز عمومی دیده می‌شود. اخیراً از برنامه‌ریزی و مداخله در مناطق کوچک‌مقیاس به عنوان ابزاری نوین در مدیریت مسائل عمومی، توسعه‌ی فضاها و سیاست‌های شهری استفاده شده است. این برنامه‌ها مشارکت عمومی را افزایش داده‌اند. بنابراین برنامه‌ریزی و مداخله در مناطق کوچک می‌تواند موفقیت برنامه‌های سطح کلان شهری را تسهیل نماید (Kim et al., 2020).

در همین راستا، فضاهای رها شده می‌توانند به عنوان فرصت‌هایی بالقوه برای تبدیل شدن به پارک‌های جیبی باشند. از این‌رو، پارک‌های جیبی، مکان‌های مهم استراتژیکی هستند که می‌توانند در ایجاد فضاهای عمومی جدید در سطح شهرها نقش به‌سزایی داشته باشند. با وجود کوچک بودن پارک‌های جیبی، این فضاها می‌توانند به طور فزاینده‌ای به منابعی در جهت تامین نیازهای اجتماعی، موثر باشند. به گفته‌ی لایز^۹ (۲۰۱۹)، کاربری‌هایی همچون زمین بازی کودکان، فضاهایی برای استراحت یا مکان‌هایی برای برپایی نمایشگاه‌های موقتی تبدیل شوند. از این‌رو این پژوهش با هدف ارائه‌ی راهبردهای مداخله در فضای رها شده بر اساس ترجیحات ساکنین در ایجاد یک پارک جیبی به بررسی ادبیات در سه حوزه‌ی فضاهای رها شده، پارک‌های جیبی و ترجیحات کاربر پرداخته است.

۲-۱- فضاهای رها شده

فضاهای رها شده (Lynch, 1960; Trancik, 1986) به عنوان فضاهایی که به طور کامل استفاده نشده‌اند و هیچ تعریف روشن و مشخصی از عملکرد آن‌ها در شهر وجود ندارد، به شمار می‌آیند. این فضاها همچنین به عنوان فضاهای نامعلوم (Muller & Busmann, 2012)، خلاءهای مرزی (Jacobs, 1961)، فضاهای آستانه‌ای (Turner, 1967)، فضاهای نامعلوم و باقیمانده (özkan, 2010)، فضاهای مشخص نشده (Mahmoudi Farahani & Maller, 2019)، فضاهای منفی شهری (Kallus, 2001)، اغلب بدون شکل بوده و یا در گوشه‌ها قرار گرفته‌اند، زیرا که شامل زمین‌های باریک و نامنظم بین ساختمان‌ها، زمین‌های آلوده یا مکان‌هایی با محدودیت‌هایی همچون شیب بسیار و یا زمین‌های تقسیم شده توسط مسیرها بوده‌اند، این فضاها گاه توسط استفاده از امکانات اصلی در شهر، تغییر کرده‌اند و تعریف واضح و روشنی از عملکردشان وجود ندارد. از این‌رو می‌توان آن‌ها را به عنوان فضاهای میانی^۲ دانست، فضاهایی که میان عناصر منظر به جای مانده‌اند (Loukaitou-sideris, 1996). فضاهای رها شده و بدون کاربری، به طور فزاینده‌ای به عنوان سدی مهم در بازآفرینی منظر شناخته می‌شود (Sperandelli, 2013);

برخوردارند، اما از آن جایی که وسعت آن‌ها بسیار کوچک است، عملکرد محدودی دارند (Hu, 2018).

۲-۳- ترجیحات کاربران

محیط شهرها جزئی از زندگی ساکنین است که کیفیت آن تأثیر زیادی بر درک افراد از محیط دارد (Lynch, 1977; Nasar, 1998). امروزه می‌توان منظر را به عنوان یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌ها در ایجاد ارتباط میان محیط و کاربران چه از لحاظ بیولوژیکی، و یا فیزیکی و چه از لحاظ ادراکی و رفتاری برشمرد. از این‌رو مطالعه‌ی ادراک افراد از منظر دارای اهمیت خاصی خواهد بود (گلچین و همکاران، ۱۳۹۱). صرف نظر از کیفیت مکانی، فضاهای باقیمانده فرصتی برای تعادل و تثبیت شهرها از طریق احیا و احیای شهر است. از آن‌جا که مطالعات در فضاهای متروکه به نقش اصلی کاربران و ترجیحات آنها اشاره دارد (Lynch, 1977; Trancik, 1986; Thompson, 2002)، توجه به این ترجیحات در انتخاب نوع مداخله مؤثر است. انتخاب مداخله طراحی تأثیر ویژه‌ای در جلوگیری از تبدیل به جای خالی دارد، بنابراین ترجیحات کاربر باید در طی مراحل طراحی و ساخت در نظر گرفته شود.

ترجیحات محیطی در این پژوهش، مجموعه‌ی عواملی است که با ترجیح یک فضای شهری در نزد کاربران تعریف و به ترجیح آن‌ها در رابطه با فضاهای شهری اشاره می‌شود. به علاوه ترجیحات با کیفیت‌هایی ذهنی در ارتباط است. مشارکت در محیط را می‌توان از جمله این کیفیت‌ها دانست که با ترجیحات محیطی در ارتباط است (لک و رضائی، ۱۳۹۷).

منظر شهر می‌تواند منبع رضایت مردم باشد. از این‌رو شکل دادن مجدد شهر باید به وسیله‌ی برنامه‌ی بصری هدایت شود که شامل مجموعه‌ای از ضوابط و توصیه‌هایی مربوط به فرم بصری در مقیاس شهر باشد. به منظور چگونگی درک کاربران از منظر، دست‌یابی به چنین برنامه‌ای، ضروریست. بدین وسیله می‌توان منابع را از نظر درجه دوست داشتن یا نداشتن محیط‌های مختلف شهر، با هم مقایسه نمود. محدوده‌های مورد علاقه، میل به داشتن این متغیرها دارند (Nasar, 2014). بهره‌مندی مناسب از فضاهای شهری مستلزم ترجیحات کاربران آن فضا است. گاه اندک زمانی پس از طراحی فضاهای رها شده و تبدیل به فضاهایی قابل استفاده، این فضاها مجدد به مکان‌هایی بدون استفاده و جرم خیز تبدیل می‌شوند. لذا فراهم آوردن امکانات در محیط‌های شهری، هرچند مطابق با قواعد علمی و نظریه‌های ارائه شده، اگر بدون در نظر گرفتن ترجیحات کاربران محیط باشد، رضایت آن‌ها را به دنبال نخواهد داشت. بنابراین امکان تبدیل شدن مجدد به فضاهای بدون استفاده و رها شده پدیدار می‌شود. بنابراین برنامه‌ریزی و طراحی فضاها نیازمند توجه دقیق به ترجیحات کاربران فضا است.

۳. روش پژوهش

پژوهش انجام شده با رویکرد ترکیبی و در راستای دستیابی به هدف اصلی آن که تبدیل یک نمونه‌ی کوچک فضای رها شده به پارک جیبی شهری است. اساس این روش بر مقایسات زوجی بنا نهاده شده است. در مدل‌های تصمیم‌گیری چندهدفه می‌بایست بهترین گزینه، بر اساس محدودیت‌های سیستم، اهداف متفاوت و نیز مقدار مطلوب موردنظر تصمیم‌گیرنده برای این اهداف طراحی گردد. در مدل‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه، تعدادی از گزینه‌های از پیش تعریف‌شده و محدود وجود داشته که هر یک از گزینه‌ها، سطحی از مشخصه‌های موردنظر تصمیم‌گیرنده را مدنظر قرار می‌دهند (قلی‌پور گشنیانی و همکاران ۱۳۹۶). مقایسه‌ها در فرآیند تحلیل سلسله مراتبی، به صورت زوجی انجام می‌شود و در ادامه فرایند، تصمیم‌گیرنده بر اساس بررسی رتبه‌بندی زیرمعیارها و انتخاب گزینه بهینه، بهترین گزینه را انتخاب می‌نماید. نمونه‌ی انتخاب شده برای این مطالعه، فضایی رها شده واقع در محله‌ی ظفر، یکی از محله‌های شمال تهران، با ۷۰۶۷۷ نفر جمعیت است (شکل ۱). آشنایی کامل با این منطقه و انواع فضاهای رها شده در آن، امکان مشاهدات میدانی در بازه‌های زمانی متفاوت، و دسترسی به ساکنین، از عوامل مؤثر در انتخاب سایت مورد مطالعه بود. معیارهای انتخاب سایت مورد مطالعه، شامل فضاییست که در محله‌ی مسکونی واقع شده باشد، توسط ساکنین به عنوان فضایی رها شده در نظر گرفته شود و در دسته‌بندی پارک‌های جیبی قرار گیرد. از این‌رو، پس از انتخاب اولیه، مصاحبه‌هایی در راستای برداشت ساکنین صورت گرفت. همانطور که در شکل ۱ نشان داده شده است، این سایت از شمال به خیابان ظفر و از غرب به خیابان تخرستان محدود شده است.

شکل ۱: نمونه‌ی انتخاب شده برای این مطالعه



مناسب این فضا هستند، انتخاب کنند. در مرحله‌ی بعد ۲۳ تصویر انتخاب شد. فراوانی تصاویر منتخب توسط نویسندگان به ثبت رسید. تصاویری که امکان انتخاب حداقل چهار بار را داشتند، انتخاب شدند. سپس ۲۳ تصویر در هفت دسته‌ی اصلی متفاوت تقسیم شد تا انتخابات مشابه در دسته‌های یکسان حذف شوند.

نخست، ۵۲ تصویر مرتبط با مداخلات اجتماعی در فضاهای شهری، توسط نویسندگان انتخاب شد. به منظور تصمیم‌گیری دقیق‌تر تصاویر، از شش کارشناس با حداقل ۹ سال سابقه تجربه مرتبط (شامل ۳ معمار، ۱ طراح شهری و ۲ معمار منظر) خواسته شد تا با توجه به محدودیت‌های پارک‌های جیبی (ابعاد، قرارگیری در بافت مسکونی، توجه به شیوه‌ی مداخله)، تصاویری را که به بهترین شکل

شکل ۲: معیار و زیر معیارهای به کار گرفته شده در مدل AHP



اجرا و پاسخ به پرسشنامه‌ی آنلاین، نیازی به نصب یا برنامه‌های کاربردی نداشت. انتخاب پاسخ‌دهندگان به روش گلوله‌ی برفی انجام شد. بخش اول پرسشنامه شامل مشخصات دموگرافیک ساکنین (جدول ۲- مشخصات ساکنین و میزان استفاده از فضاهای باز محلی) و محل زندگی فعلی افراد پاسخ‌دهنده بود (تا اطمینان حاصل شود که پاسخ‌دهندگان از ساکنین آن منطقه هستند). بخش دوم شامل ۱۷ سؤال بود که از پاسخ‌دهندگان خواسته شد تا در مقیاس رتبه بندی ۱۷ نقطه‌ای اولویت تصویر انتخابی را مشخص نمایند. تجزیه و تحلیل داده‌های جمع آوری شده از این نظرسنجی با استفاده از نرم‌افزارهای اکسل و IBM SPSS 26 انجام و نتایج نهایی با استفاده از تحلیل توصیف و ارائه شده است.

به دلیل محدودیت در ابعاد پارک‌های جیبی و انتخاب نوع مداخلات، از روش AHP برای انتخاب فضای مناسب استفاده شده است. هنگامی که چندین عامل ارزشیابی در روند تصمیم‌گیری وجود داشته باشد، این روش به تصمیم‌گیرندگان امکان درک عمیقی از مسائل در موقعیت‌های خاص برای یک "ساختار سلسله مراتبی غیر مستقل" را خواهد داد (Nekhay & Arriaza, 2016; Saaty & De Paola, 2017). از این رو، به منظور ارزیابی ارتباط ویژگی‌های مداخله‌ی شهری با توجه به اولویت‌های کاربران، از یک پرسشنامه‌ی تصویری AHP استفاده شده است. بدین منظور، هفت مداخله‌ی اصلی انتخاب شده (فضای ورزشی، فضای بازی، کافه، فضای نشستن، فضای آرامش و نمایشگاه) توسط متخصصان با نرم افزار Sketch up مدل‌سازی شدند. پیش از ارسال پرسش‌نامه‌ها در مقیاس وسیع، به منظور انجام یک بررسی جامع، پرسش‌نامه به صورت آزمایشی^۱ و در جهت بهبود سوالات، از ۱۲ نفر نظرسنجی شد. اصلاحات و نظرات پاسخ‌دهندگان اعمال شد و سپس پرسشنامه‌های آنلاین طی فروردین تا اردیبهشت ۱۳۹۹ به ساکنان ارسال شد.

جدول ۱: نمونه‌ی پرسش‌نامه

بسیار مهم تا بی اندازه مهم	بسیار مهم	مهم	مهم تا بسیار مهم	نسبتاً مهم	یکسان تا نسبتاً مهم	یکسان	یکسان تا نسبتاً مهم	نسبتاً مهم	نسبتاً مهم تا مهم	مهم	مهم تا بسیار مهم	بسیار مهم	بسیار مهم تا بی اندازه مهم	بی اندازه مهم			
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰



درصد بالاتر از ۶۰ سال بودند. ۵۷.۶ درصد جمعیت پاسخ‌دهندگان دارای مدرک فوق لیسانس، ۱۹.۴ درصد دارای مدرک لیسانس، ۱۵.۸ درصد دارای مدرک دکترا، ۳.۶ درصد دارای مدرک فوق دیپلم و ۳.۶ درصد هم دارای مدرک دیپلم بودند. از این میان، ۵۷ درصد پاسخ‌دهندگان بدون شغل و ۱۸.۲ درصد دانشجو بودند.

۳-۱- تحلیل داده‌ها

تعداد ۱۶۵ پرسش‌نامه‌ی معتبر توسط ساکنین پاسخ داده شده‌اند. با توجه به اطلاعات جدول حدود ۵۷ درصد پاسخ‌دهندگان را خانم‌ها و ۴۳ درصد را آقایان تشکیل داده‌اند. از این میان ۷۸.۱ درصد از افراد در بازه‌ی سنی ۲۰-۴۰، ۱۲.۷ درصد در بازه‌ی سنی ۴۱-۶۰ و تنها ۹.۱

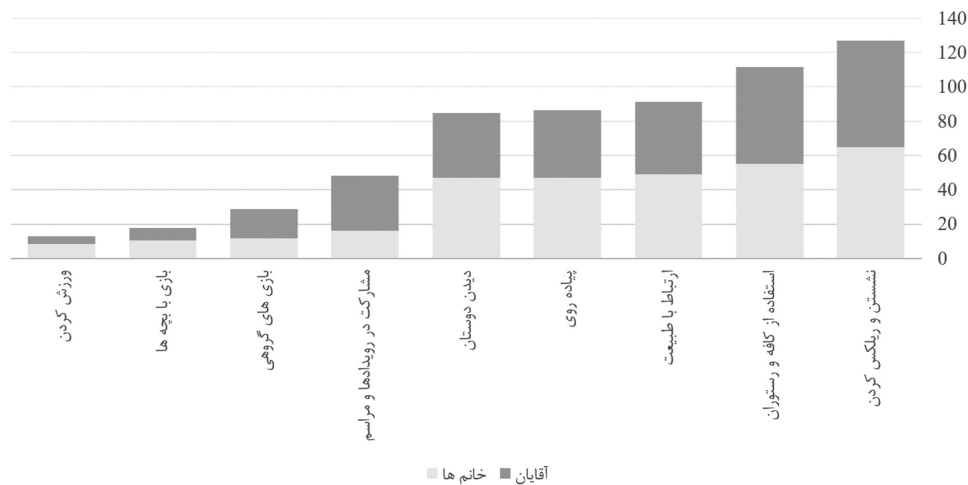
جدول ۲: مشخصات پاسخ‌دهندگان

سن	جنسیت		شغل				
	خانم‌ها	آقایان	شاغل	خانه‌دار	دانشجو	بازنشسته	بدون شغل
۲۰ تا ۴۰ سال	۷۸	۵۱	۱۲	۱۰	۲۹	۱	۷۷
۴۱ تا ۶۰ سال	۱۰	۱۱	۲	۱	۱	۵	۱۲
بالاتر از ۶۰ سال	۶	۹	۱	۲	۰	۷	۵
کل	۹۴	۷۱	۱۵	۱۵	۳۰	۱۳	۹۴

(۴۶.۸ درصد خانم‌ها و ۳۸.۰۲ درصد آقایان)، مشارکت در رویدادها و مراسم (۱۵.۹۵ درصد خانم‌ها و ۳۲.۳۹ درصد آقایان)، از اولویت‌های بعدی افراد بود. بازی‌های گروهی، بازی با بچه‌ها و ورزش کردن با لوازم ورزشی، از کمترین اولویت‌های ساکنین بود. مشارکت در رویدادها و مراسم در آقایان حدود ۲ برابر بیش از خانم‌ها بود و استفاده از لوازم ورزشی در میان خانم‌ها حدود ۲ برابر بیش از آقایان دیده می‌شد. بنابراین عامل جنسیت در این مورد تاثیرگذار بوده است.

یکی از اهداف این پژوهش، یافتن عادات اوقات فراغت و روند استفاده از فضاهای عمومی توسط ساکنان و مقایسه‌ی میان دو گروه خانم‌ها و آقایان بود. با توجه به مقایسه‌ی داده‌ها و نتایج به دست آمده، تفاوتی میان اولویت انتخاب دو گروه خانم‌ها و آقایان در بهره‌مندی از فضاهای باز محلی وجود نداشت (شکل ۱). این پژوهش نشان داد که پاسخ‌دهندگان معمولاً اوقات فراغت خود را به نشستن و آسایش در فضاهای باز اختصاص می‌دهند (۶۱.۸۹ درصد خانم‌ها و ۶۱.۹۷ درصد آقایان). پس از آن ۵۵.۳۱ درصد خانم‌ها و ۵۶.۳۳ درصد آقایان به استفاده از کافه و رستوران علاقه‌مندند. ارتباط با طبیعت (۴۸.۹۳ درصد خانم‌ها و ۴۲.۲۵ درصد آقایان)، پیاده‌روی (۴۶.۸۰ درصد خانم‌ها و ۳۹.۴۳ درصد آقایان)، دیدن دوستان

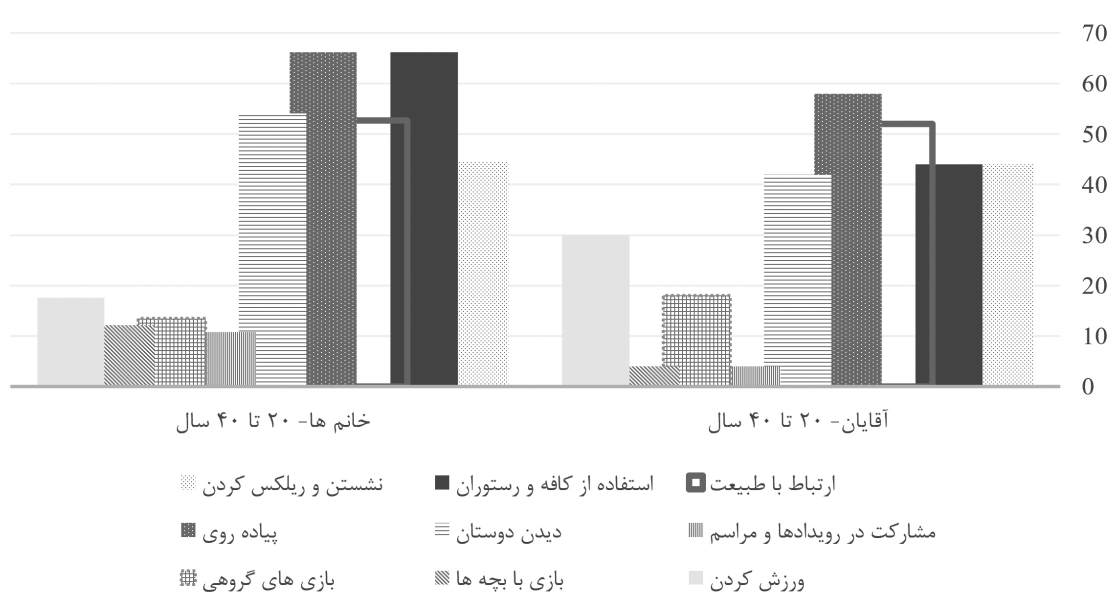
شکل ۳: انتخاب فعالیت مورد علاقه در فضاهای باز شهری (امکان انتخاب بیش از ۱ گزینه)



این انتخاب در میان خانم‌ها ۲.۶ برابر بیش از آقایان است. همچنین مشارکت در رویدادها و مراسم، بازی‌های گروهی و بازی با بچه‌ها اولویت‌های پایین در بین ساکنین بود. از نظر اولویت انتخاب این کاربری‌ها، تفاوتی در بین ۲ گروه جنسیتی وجود نداشت. از آنجایی که ۴۲.۲۵ درصد آقایان و ۴۸.۹۳ درصد خانم‌ها به منظور ارتباط با طبیعت از فضاهای باز شهری بهره می‌گیرند، توجه به ایجاد بسترهای طبیعی در فضای پارک‌های جیبی حائز اهمیت است. جنسیت از عوامل تاثیرگذار در انتخاب فعالیت‌های ورزشی در گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال بود. در این گروه سنی ۳۱.۳۷ درصد از آقایان علاقه‌مند به استفاده از فضاهای ورزشی در پارک‌های جیبی بودند. در حالی که تنها ۱۷.۹۴ درصد از خانم‌ها به این فعالیت علاقه داشتند.

با توجه به جدول ۲، از آنجایی که ۷۸.۱۸ درصد جمعیت پاسخ‌دهندگان در رده‌ی سنی ۲۰ تا ۴۰ قرار داشتند، این گروه به صورت مجزا بررسی شدند. نشستن و آسایش سومین انتخاب آقایان (۴۵.۰۹ درصد) تا ۲۰ تا ۴۰ سال بود، در حالی که این گزینه پنجمین اولویت در همین گروه سنی از خانم‌ها بود. پیاده‌روی نخستین اولویت هر دو گروه خانم‌ها و آقایان در این گروه سنی بود (خانم‌ها ۶۶.۶۶ درصد و آقایان ۵۸.۸۲ درصد). دومین انتخاب خانم‌ها استفاده از کافه و رستوران بود (۶۵.۳۸ درصد) و این گزینه انتخاب سوم در آقایان (۴۵.۰۲ درصد) بود. مشارکت در رویدادها و مراسم (۱۰.۲۵ درصد خانم‌ها و ۳.۹۲ درصد آقایان) از کمترین اولویت برخوردار بود. اگرچه به صورت کلی و طبق شکل ۳، انتخاب این فعالیت در آقایان بیش از خانم‌ها بود، اما در گروه سنی ۲۰ تا ۴۰،

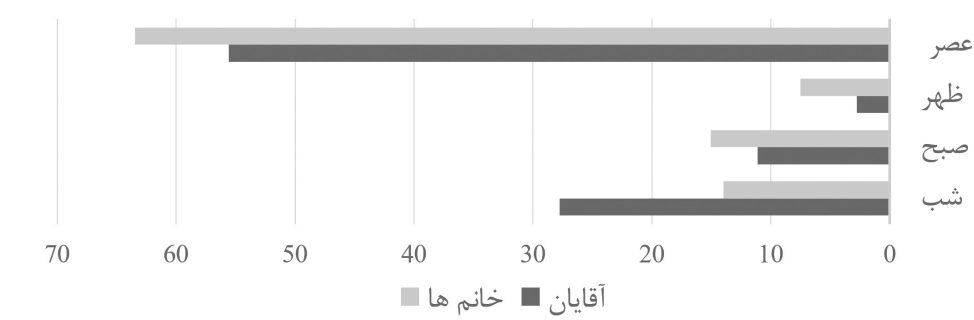
شکل ۴: مقایسه‌ی میان دو گروه خانم‌ها و آقایان در بازه‌ی سنی ۲۰ تا ۴۰ سال در انتخاب فعالیت مورد علاقه



(۶۳.۶) و کمتر آقایان (۳۶.۴ درصد)، شامل می‌شوند. این در حالیست که به صورت کلی ۶۳.۴۴ درصد خانمها و ۵۵.۵۵ درصد آقایان، ساعات‌های عصر را برای حضور در فضاها باز عمومی مناسب‌تر می‌دانستند.

با توجه به شکل ۵، حدود ۷۷.۸ درصد استفاده‌کنندگان از فضاهای باز شهری در ظهرها، خانمها هستند. این درحالی است که شبها حدود ۳۸.۲ درصد را خانمها و ۶۱.۸ درصد استفاده‌کنندگان را آقایان تشکیل می‌دهند. در ساعات صبح نیز، بیش‌تر استفاده‌کنندگان را خانمها

شکل ۵: مقایسه‌ی میان دو گروه خانمها و آقایان در ساعات استفاده از فضاهای باز شهری



رابطه‌ی معکوس معناداری وجود دارد. با وجود گامای منفی، هیچ یک از افراد بالای ۶۰ سال، در هنگام شب، از فضاهای باز شهری استفاده نمی‌کنند.

به منظور بررسی ارتباط بین دو متغیر سن و زمان استفاده از فضاهای باز شهری، از آزمون خی دو استفاده شد. با توجه به جدول ۲، ($p < 0.01$) میان سن و زمان استفاده

جدول ۳: آزمون خی دو و ضریب گاما

	Value	df	Asymptotic Significance (2-sided)	
Pearson Chi-Square	16.765 ^a	6	.010	
	Value	Asymptotic Standard Error ^a	Approximate T ^b	Approximate Significance
Gamma	-.436	.132	-2.824	.005

از ۰.۱ باشد، آن‌گاه می‌توان به نتایج وزن‌ها اعتماد کرد. $CR = \frac{CI}{RI}$ با توجه به جداول ۴ و ۵، نرخ سازگاری محاسبه شده در هر دو گروه خانمها و آقایان کمتر از ۰.۱ بود، بنابراین می‌توان به نتایج وزن‌ها اعتماد نمود.

پس از محاسبه‌ی وزن نهایی معیارها از میانگین بردارهای وزن و تعیین اهمیت معیارها نسبت به یکدیگر، نرخ سازگاری (C.R.) محاسبه می‌شود. این شاخص از تقسیم شاخص سازگاری بر میانگین شاخص سازگاری (R.I) محاسبه می‌شود. اگر که نرخ سازگاری محاسبه شده، کم‌تر

جدول ۴: ماتریس وزنی پاسخ آقایان

فضای ورزشی	فضای نشستن	میزهای بازی	نمایشگاه	کافه	زمین بازی	فضای آسایش	
۳.۰۰۹	۱.۶۹۳۲	۲.۷۸۶۹۵	۴.۳۳۲۰۵	۳.۱۳۵	۳.۳۸۱۰۵	۱	فضای آسایش
۱.۷۶۲۱	۱.۸۵۶۶	۱.۸۵۰۰۵	۳.۳۶۴۸	۱.۷۶۸	۱	۰.۲۹۵۷۶۶	زمین بازی
۳.۵۳۷۳۵	۲.۶۴۵۸۵	۳.۰۸۴۳	۳.۹۲۶۱۵	۱	۰.۵۶۵۶۱۱	۰.۳۱۸۹۷۹	کافه
۱.۹۷۵۸	۱.۱۷۲۵۵	۱.۱۱۳۹	۱	۰.۲۵۴۷۰۲	۰.۲۹۷۱۹۴	۰.۲۳۰۸۳۸	نمایشگاه
۱.۸۷۳۶	۱.۸۲۶۸۵	۱	۰.۸۹۷۷۴۷	۰.۸۹۷۷۴۷	۰.۵۴۰۵۲۶	۰.۳۵۸۸۱۵	میزهای بازی
۳.۴۱۷۹	۱	۰.۵۴۷۳۹	۰.۸۵۲۸۴۲	۰.۳۷۷۹۵	۰.۵۳۸۶۱۹	۰.۵۹۰۵۹۸	فضای نشستن
۱	۰.۲۹۲۵۷۷	۰.۵۳۳۷۳۲	۰.۵۰۶۱۲۴	۰.۲۸۲۶۹۷	۰.۵۶۷۵۰۵	۰.۳۳۲۳۳۶	فضای ورزشی

شاخص سازگاری: ۰.۱۳۱۸ و نرخ سازگاری: ۰.۹۹۸

جدول ۵: ماتریس وزنی پاسخ خانمها

فضای آسایش	زمین بازی	کافه	نمایشگاه	میزهای بازی	فضای نشستن	فضای ورزشی
۱	۲.۴۹۱۲۵	۲.۹۱۹۸	۳.۲۸۰۲۵	۴.۹۸۳۵۵	۱.۷۹۵۶	۳.۱۷۳
۰.۴۰۱۴۰۵	۱	۱.۵۰۸۴	۲.۸۱۹۸	۳.۱	۲.۲۹۰۲	۴.۶۳۳۹
۰.۳۴۲۴۸۹	۰.۶۶۲۹۵۴	۱	۴.۸۷۰۱۵	۵.۰۶۲۳	۳.۴۹۲۶۵	۵.۲۱۸۳۵
۰.۳۰۴۸۵۵	۰.۳۵۴۶۳۵	۰.۲۰۵۳۳۲	۱	۲.۵۲۸۹	۲.۳۲۹۷۵	۲.۲۳۲۲
۰.۲۰۰۶۶	۰.۳۲۲۵۸۱	۰.۱۹۷۵۳۹	۰.۳۹۵۴۲۹	۱	۱.۸۲۵۸۵	۱.۶۰۸۶
۰.۵۵۶۹۱۷	۰.۴۳۶۶۴۳	۰.۲۸۶۳۱۶	۰.۴۲۹۲۳۱	۰.۵۴۷۶۹	۱	۳.۹۱۰۱
۰.۳۱۵۱۵۹	۰.۲۱۵۸۰۱	۰.۱۹۱۶۳۱	۰.۴۴۷۹۸۹	۰.۶۲۱۶۵۹	۰.۲۵۵۷۴۸	۱

شاخص سازگاری: ۰.۱۳۰۲ و نرخ سازگاری: ۰.۰۹۸۶

پس از اطمینان از سازگار بودن پاسخها، به منظور تعیین اولویت‌های انتخابی برای سایت ذکر شده، بردار ویژه محاسبه شد (جدول ۶).

جدول ۶: محاسبه‌ی بردار ویژه برای هر یک از دو گروه خانمها و آقایان

عملکرد	میانگین هندسی	وزن نرمال (بردار ویژه)
فضای آسایش	آقایان ۲.۵۲۳۶۸۲	خانمها ۰.۲۹۲۲
کافه	آقایان ۱.۴۰۲۰۴	خانمها ۰.۲۲۳
زمین بازی	آقایان ۱.۵۳۸۹۸۸	خانمها ۰.۲۰۴۷
میزهای بازی	آقایان ۰.۶۴۲۲۸۶	خانمها ۰.۰۹۶۵
فضای نشستن	آقایان ۰.۹۱۴۵۲۷	خانمها ۰.۰۷۷۷
نمایشگاه	آقایان ۰.۷۸۹۸۸۱	خانمها ۰.۰۶۳۱
فضای ورزشی	آقایان ۰.۴۵۷۷۹۴	خانمها ۰.۰۴۲۴

محاسبات بردار ویژه بدون استفاده از نرم‌افزار خاصی و از روش تقریب میانگین هندسی استفاده شد (زبردست، ۱۳۸۰). به این ترتیب، در این مرحله بردارهای اولویت مورد محاسبه قرار می‌گیرند. بر اساس جدول ۶ و بردار ویژه اولویت معیارهای اصلی خانمها و آقایان:

۱. فضای آسایش با وزن نرمال ۰.۳۰۵ برای آقایان و ۰.۲۹۲ برای خانمها از بیشترین اولویت برخوردار است.
۲. انتخاب کافه با وزن نرمال ۰.۱۸۶ برای آقایان و ۰.۲۲۳ برای خانمها در اولویت دوم قرار دارد.
۳. زمین بازی با وزن نرمال ۰.۱۶۹ برای آقایان و ۰.۲۰۴ برای خانمها در اولویت سوم قرار دارد.
۴. در اولویت میانی، میزهای بازی با وزن نرمال ۰.۱۱۰ برای آقایان و ۰.۰۹۶۵ برای خانمها با وزن نرمال ۰.۰۹۶۵ قرار دارد.
۵. فضای نشستن با وزن نرمال ۰.۰۹۵ برای آقایان و ۰.۰۷۷۷ برای خانمها در اولویت پنجم قرار دارد.
۶. در اولویت ششم، نمایشگاه با وزن نرمال ۰.۰۷۷ برای آقایان و میزهای بازی با وزن نرمال ۰.۰۶۳ برای خانمها قرار دارد.
۷. فضای ورزشی با وزن نرمال ۰.۰۵۵ برای آقایان و

۰.۰۴۲ برای خانمها در اولویت انتهایی قرار دارد. محاسبات بردار ویژه نشان‌دهنده‌ی عدم نقش جنسیت در اولویت نوع کاربری فضا بود. اگرچه بررسی نتایج پاسخ‌دهندگان در رده‌ی سنی ۲۰ تا ۴۰، نشان‌دهنده‌ی تاثیرگذاری جنسیت در انتخاب فعالیت این گروه سنی در فضاهای کوچک شهری بود. بنابراین متغیر جنسیت در انتخاب فعالیت تمامی گروه‌های سنی تاثیرگذار نخواهد بود. از این رو، گاه توجه به انتخاب نوع فعالیت می‌تواند موثرتر از پرداختن به مباحث جنسیتی در فضا باشد. در این میان، اگرچه فضای ورزشی آخرین اولویت پاسخ‌دهندگان بود، اما بررسی نظرات گروه سنی ۲۰ تا ۴۰، با مجموع نظرات متفاوت بود (نمودار ۲). از آنجایی که حدود ۴۶.۸۰ درصد از کل جمعیت خانمها و ۳۹.۴۳ درصد از آقایان، به پیاده‌روی در پارک‌های جیبی علاقه‌مند بودند، با این حال تنها ۸.۵ درصد خانمها و ۴.۲ درصد آقایان ورزش کردن با لوازم ورزشی در پارک‌های جیبی را از فعالیت‌های مورد علاقه‌ی خود می‌دانستند. این عدم هماهنگی ممکن است ناشی از متناسب نبودن وسایل ورزشی موجود در پارک‌ها باشد. در عین حال، بررسی گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال نشان‌دهنده‌ی علاقه‌ی ۳۱.۳۷

مجموعه‌ی زمین بازی و فضای نشستن را از فعالیت‌های مورد علاقه‌ی خود می‌دانستند. این عدم هماهنگی ممکن است ناشی از متناسب نبودن وسایل ورزشی موجود در پارک‌ها باشد. در عین حال، بررسی گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال نشان‌دهنده‌ی علاقه‌ی ۳۱.۳۷

درصد از آقایان و ۱۷.۹۴ درصد از خانمها به استفاده از فضاهای ورزشی در پارکهای جیبی است. این تفاوت ممکن است ناشی از عدم توجه به انتخاب وسایل ورزشی برای سنین متفاوت باشد.

در اولویت‌بندی و انتخاب فضاهایی جهت استراحت، استفاده از کافه و رستوران، ارتباط با طبیعت و بازی با بچه‌ها، تفاوت معناداری میان دو گروه خانمها و آقایان وجود نداشت. این امر نشان دهنده‌ی نیاز یکسان میان دو گروه جنسیتی در کاربری‌های نام برده است. از طرفی مشارکت در رویدادهای اجتماعی مورد استقبال ۳۲.۳۹ درصد آقایان و ۱۵.۹۵ درصد خانمها قرار گرفت. در حالی که عامل جنسیت در میزان علاقه به مشارکت در میان گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ موثر بود (خانمها ۱۰.۲۵ درصد و آقایان ۳.۹۲ درصد).

با توجه به مقایسه‌ی شکل ۱ (انتخاب فعالیت مورد علاقه در فضاهای باز شهری) و محاسبات بردار ویژه در اولویت‌بندی کاربری در فضای مورد مطالعه، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- نیاز به ایجاد فضای آسایش برای ساکنین در این محدوده دیده می‌شود و جنسیت در پاسخ به این پرسش‌های مرتبط با این کاربری نقشی نداشته است. سایت با مداخلات انجام شده برای این کاربری مناسب بوده است. اگرچه نوع مبلمان شهری در اولویت کاربران نقش داشته است (فضای آسایش در اولویت اول و فضای نشست در اولویت پنجم).

- سایت‌هایی با ویژگی‌های مشابه مکان مطالعه شده می‌توانند برای کافه و رستوران استفاده شوند. به علاوه با ایجاد امکاناتی، مکان‌های مشابه می‌توانند مورد استفاده‌ی رستوران‌های محلی قرار گیرند. با این حال بررسی گروه ۲۰ تا ۴۰ سال، نشان‌دهنده‌ی نقش جنسیت در پاسخ به این پرسش‌های مرتبط با این کاربری است. اگرچه این کاربری اولویت دوم خانم‌های ۲۰ تا ۴۰ سال بود (۶۵.۳۸ درصد)، اما تنها ۴۵ درصد از آقایان در این گروه سنی به این نوع کاربری علاقه‌مند بودند.

۴. نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، شناسایی بهترین نوع مداخله در فضاهای باز شهری و یافتن فعالیت‌هایی با کمترین اولویت از نظر ساکنین بوده است، تا با توجه به آن، فضاهای کوچک شهری ارتقاء یافته و فضاهای رها شده به فضاهایی با کاربری‌های مناسب با نیاز ساکنین تبدیل شوند. در راستای دست‌یابی به این هدف، با استفاده از نظر متخصصین در مرحله‌ی نخست و بر مبنای فعالیت‌های مطلوب و نامطلوب، مقایسه‌ی اولویت‌های دو گروه خانمها و آقایان در مرحله‌ی بعد، ترجیحات کاربران برای طراحی فضاهای رهاشده‌ی شهری بررسی شده است. انتخاب گزینه‌ی طراحی بر اساس توجه به عوامل فرهنگی-

اجتماعی می‌تواند پاسخگوی خلاءهای پیشین در فضاهای شهری باشد.

بررسی‌های انجام شده در رابطه با نوع کاربری این فضا نشان می‌دهد که در هر دو گروه خانمها و آقایان، اولویت نخست کاربران برای تبدیل یک فضای رها شده به پارک جیبی، فضای آسایش بود. پس از آن، کافه و زمین بازی انتخاب شدند. درحالی‌که امروزه بیش‌تر پارک‌های جیبی محلی در تهران به فضاهای ورزشی تبدیل شده‌اند، فضای ورزشی در پایین‌ترین اولویت قرار داشت. از این‌رو توجه به اولویت‌های کاربر می‌تواند به عنوان گامی مهم در جلوگیری از ایجاد فضاهای رها شده و چه بسا استفاده از این فضاها به عنوان پتانسیل‌های شهری در نظر گرفته شود. از آن‌جایی که بیش‌تر ساکنین، زمان قابل توجهی را به حضور در کافه اختصاص می‌دهند، لذا این عملکرد در نمونه‌ی طراحی شده نیز از اولویت بالایی برخوردار بود. این کاربری می‌تواند در ارتقاء روابط همسایگی و سرزندگی محله تأثیرگذار باشد.

بررسی‌های دقیق‌تری به تفکیک گروه‌های سنی انجام شده است. با توجه به نتایج، مشارکت در مراسم و رویدادهای جمعی، میان آقایان در سنین بالای ۶۰ سال و خانم‌های ۲۰ تا ۴۰ سال، بیش‌تر دیده می‌شد، از این‌رو، توجه رویدادهای جمعی متناسب با سن و جنسیت افراد، نقش موثری در مشارکت ساکنین در مراسم و حضور در محله خواهد داشت. همچنین عدم علاقه‌ی خانمها به استفاده از فضاهای باز شهری در ساعات شب، می‌تواند به مسائلی همچون عدم احساس امنیت در محیط بازگردد. در استفاده از پارک‌های جیبی شهری، گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ انتخاب متفاوت‌تری را به نسبت دو گروه سنی دیگر داشتند و بررسی نتایج نشان‌دهنده‌ی نزدیک‌تر بودن ترجیحات گروه‌های سنی ۴۱ تا ۶۰ و بالاتر از ۶۰ سال به یکدیگر بود. از این‌رو، رویکرد مناسب جهت طراحی پارک‌های جیبی، با توجه به شاخص‌های جمعیتی هر محله، می‌تواند متفاوت باشد.

از جمله یافته‌های قابل توجه در این پژوهش، ضرورت انعطاف‌پذیری فضاهای کوچک شهری است. مقایسه‌ی دو گزینه‌ی فضای نشست با فضای آسایش، و ضریب اهمیت گزینه‌های ارائه شده، حاکی از اهمیت انتخاب نوع مبلمان شهری در پارک‌های جیبی است. با توجه به ابعاد کوچک این فضاها، محدودیت در نوع مداخله و نیاز کاربران به محیط متنوع، استفاده از رویکرد انعطاف‌پذیری در این فضاها حائز اهمیت دوچندان خواهد بود. این تنوع می‌تواند با استفاده از رنگ، نور و مبلمان شهری با قابلیت جابه‌جایی، ایجاد شود. پاسخگویی به نیازهای متفاوت و گاه متضاد ساکنان و همچنین تغییرات نظام فعالیت کاربران، ضرورت هماهنگی این فضاهای کوچک را با تنوع فعالیتی پررنگ‌تر و تنوع‌پذیری عملکردهای محیطی را ضروری می‌نماید. در فضاهای کوچک، انعطاف‌پذیری

دوباره‌ی فضاهای رهاشده حائز اهمیت خواهد بود. این پژوهش نشان دهنده‌ی علاقه‌ی ساکنین به استفاده از پارک‌های جیبی است، بنابراین در راستای افزایش رضایت‌مندی در این فضاها، مطالعات گسترده‌ای مورد نیاز است. بررسی ادراک ساکنین و پتانسیل‌های فضاهای رهاشده‌ی کوچک، در دستیابی به فضاهایی با عناصر کیفیت‌بخش محیطی، تدوین راهنماهای طراحی شهری مناسب، انتخاب تصمیم‌گیران شهری موثر خواهد بود. ارائه‌ی یک مدل برنامه‌ریزی مشارکتی می‌تواند در افزایش ارتباط با محیط‌های شهری و بازآفرینی فضاهای رها شده تاثیرگذار باشد. نیاز به پژوهش‌های مکملی برای مقایسه‌ی تطبیقی و ارزیابی جدی‌تری در تاثیر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی بر تعیین معیارهای ترجیحات بصری شهروندان احساس می‌شود.

می‌تواند فراتر از مبلمان و عناصر متحرک فضا دیده شود. از این رو ایجاد تنوع در این محیط‌های محدود، امکان تغییر فضا متناسب با نیازها می‌باید در تمام مراحل طراحی، برنامه‌ریزی، نگهداری و مدیریت مورد توجه واقع شود. با توجه به اهمیت ارتباط با طبیعت در میان ساکنین، و از آنجایی که فضاهای کوچک میان بلوک‌های شهری قابل دسترس‌تر هستند، لازم است پارک‌های جیبی به منظور ایجاد فضاهای طبیعی در نظر گرفته شوند. به منظور افزایش پویایی فضاهای محلی و تجدید حیات فضاهای رها شده، می‌باید اولویت ساکنین در استفاده از فضاها در نظر گرفته شود. در این راستا، توجه به محدودیت‌های فضاهای کوچک شهری و نیاز کاربران، بررسی انواع فعالیت‌ها و معیارهای کلیدی، در طراحی محیط‌های پاسخ‌ده، استفاده از پتانسیل فضاهای کوچک شهری و ممانعت از ایجاد

پی‌نوشت

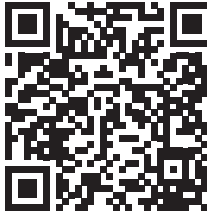
1. Vest-Pocket Park or Pocket Park
2. Labuz
3. In between Space
4. Bowling Green
5. Mini-Park
6. Charles Dowing Lay
7. Hoving
8. Paley Park
9. Pilot study

فهرست منابع

- بهزادفر، مصطفی و شکیبامنش، امیر. (۱۳۸۷). جایگاه راهنماهای طراحی در فرآیند طراحی شهری و نقش آن‌ها در ارتقاء کیفیت فضاهای شهری، آرمانشهر، شماره ۱، زمستان.
- زبردست، اسفندیار. (۱۳۸۰). کاربرد فرایند تحلیل سلسله مراتبی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، نشریه هنرهای زیبا، ۱۰، ۱۲-۲۱.
- قلی‌پور گشنیانی، مصطفی، فیضی، محسن و مهدی‌زاده سراج، فاطمه. (۱۳۹۶). تبیین و ارزیابی مؤلفه‌های انطباق ابزارهای نوین نور روز با ساختمان (نورگیرهای متداول ساختمان‌های میان‌رتبه تهران)، پایان‌نامه دکترای معماری، دانشکده‌ی معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- گلچین، پیمان، نارویی، بهروز و مثنوی، محمدرضا. (۱۳۹۱). ارزیابی کیفیت بصری فضاهای آموزشی بر اساس ترجیحات استفاده‌کنندگان (مطالعه موردی: دانشگاه سیستان و بلوچستان)، محیط‌شناسی، شماره ۶۲.
- لک، آزاده و رمضانی، مینا. (۱۳۹۷). ترجیحات محیطی مردم برای طراحی فضای رهاشده زیر پل‌های شهری. آرمان شهر، ۲۳، ۲۲۵-۲۳۵.
- قلی‌پور گشنیانی، مصطفی، فیضی، محسن و مهدی‌زاده سراج، فاطمه. (۱۳۹۶). تبیین و ارزیابی مؤلفه‌های انطباق ابزارهای نوین نور روز با ساختمان (نورگیرهای متداول ساختمان‌های میان‌رتبه تهران)، پایان‌نامه دکترای معماری، دانشکده‌ی معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- Abu-Ghazzeah, TM. (1996). Reclaiming public space: the ecology of neighborhood open spaces in the town of Abu-Nuseir, Jordan. *Landscape and Urban Planning*, 36(3): 197-216. [https://doi.org/10.1016/S0169-2046\(96\)00343-X](https://doi.org/10.1016/S0169-2046(96)00343-X).
- Akkerman, A., & Cornfeld, A. (2009). Greening as an urban design metaphor: Looking for the city's soul in leftover spaces, *The Structurist*, 2009/2010, 30-35.
- Armstrong, H. (2006). Time, Dereliction and Beauty: an Argument for Landscapes of Contempt, *The Landscape Architect*, IFLA Conference Papers, (May), 116-127.
- Bowman, A.O., & Pagano, M.A. (2004). *Terra Incognita vacant land and urban strategies*. Washington DC: Georgetown University Press.
- Burkholder, S. (2012). The new ecology of vacancy: Rethinking land use in shrinking cities, *Sustainability*, 4, 1154-1172. <https://doi.org/10.3390/su4061154>
- Carmona, M. (2010a). Contemporary public space, part two: Classification. *Journal of Urban Design*, 15(2), 157-173. <https://doi.org/10.1080/13574801003638111>.
- Carmona, M. (2010b). Contemporary public space: Critique and classification, part one: Critique. *Journal of Urban Design*, 15(1), 123-148. <https://doi.org/10.1080/13574800903435651>.
- Chermayeff, S., & Alexander, C. (1963). *Community and Privacy: Towards a New Architecture of Humanism*. Doubleday & Company, Inc., New York.
- Darskhan, R., & Hajisattari, P. (2016). An Evaluation of Missing Spaces and Recommending Some Strategies for Development of Creative Spaces (Case Study: Ali-Qapu Square in Ardabil). *Haft Hesar: Journal of environmental Studies*. 4 (16) :15-26. URL: <http://hafthesar.iauh.ac.ir/article-1-346-en.html>
- De Sola-Morales, I. (1996). *Terrain Vagues, Quaderns 212 Tierra-Agua*. Barcelona: Collegio de Arquitectos de Catalunya. Barcelona, Spain . 34-44.
- Faizi, M. (2006). The role of urban parks in a metropolitan city. *Environmental Science*, 12: 29-34.
- Faizi, M., Hosseini, S. B., & Maleki, S. N. (2011). Achieving design guidelines of neighbourhood open spaces through users' characteristics in different times. *Scientific Research and Essays*, 6, 19, 4000-4008. <https://doi.org/10.5897/SRE10.956>.
- Ford, LR. (2000). *The Spaces Between Buildings*. The Johns Hopkins University Press, Baltimore
- Franck, K.A., & Stevens, Q. (2007). *Loose space Possibility and Diversity in Urban Life*. Abingdon: Routledge.
- Garvin, E., Branas, C., Keddem, S., Sellman, J., & Cannuscio, C. (2012). More than just an eyesore: Local insights and solutions on vacant land and urban health, *Journal of Urban Health: Bulletin of the New York Academy of Medicine*, 90(3), 412-426. <https://doi.org/10.1007/s11524-012-9782-7>.
- Gibson, H., & Canfield, J. (2016). Pocket parks as community building blocks: A focus on Stapleton, CO. *Community Dev*. 47, 732-745. <https://doi.org/10.1080/15575330.2016.1220965>
- Hami, A., Suhardi, B.M., Manohar, M., & Malekizadeh, M. (2014). Architectural Natural elements spatial configuration and content usage in urban park. *International Journal of Architectural Engineering and Urban Planning*, 24.
- Hollander, J.B., & Németh, J. (2011). The Bounds of smart Decline: A Foundational theory for Planning shrinking Cities, *Housing Policy Debate*, 21(3), 349-367. <https://doi.org/10.1080/10511482.2011.585164>.
- Hu, Y. (2018). A Novel Planning of Vest-Pocket Park in Historic Urban Area in Metropolis : A Case Study of Beijing. *Lecture Notes in Electrical Engineering*. Springer, 1035-1053. <https://doi.org/10.1007/978-981-10-3551-7>
- Labuz, R. (2019). Pocket Park-A New Type of Green Public Space in Kraków (Poland). *IOP Conference Series*:

- Materials Science and Engineering, 471(11). <https://doi.org/10.1088/1757-899X/471/11/112018>
- Jacobs, J. (1961). *The death and life of great American cities*. New York: Random House, Inc.
 - Lee, Seog Jeong, Soewon Hwang., & Dongha Lee. (2015). Urban Voids : As a Chance for Sustainable Urban Design. in *Proceedings of the 8th Conf. Int. Forum Urban*. <https://doi.org/10.3390/ifou-D007>.
 - Lynch, K. (1977). *The image of the city*. Cambridge: MIT Press.
 - Kallus, R. (2001). From Abstract to Concrete: Subjective Reading of Urban Space, *Journal of Urban Design*, 6, 129-150. <https://doi.org/10.1080/13574800120057818>
 - Kim, G., Miller, P.A., & Nowak, D.J. (2015). Assessing urban vacant land ecosystem services: Urban vacant land as green infrastructure in the City of Roanoke, Virginia, *Urban Forestry & Urban Greening*, 14(3), 519-526. <https://doi.org/10.1016/j.ufug.2015.05.003>.
 - Kim, M., & Kim, G. (2012). Typology of urban left-over space, in: *Proceedings of CELA Annual Meeting*. University of Illinois, Urbana, Champaign, Il.
 - Kim, G., Newman, G., & Jiang, B. (2020). Urban regeneration: Community engagement process for vacant land in declining cities. *Cities*, 102(April), 102730. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102730>.
 - Kermer, P., Hamstead, Z.A., & McPhearson, T. (2013). A social-ecological assessment of vacant lots in New York City, *Landscape and Urban Planning*, 120, 218-233. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2013.05.003>.
 - Li, W., Zhou, W., Bai, Y., Pickett, S.T.A., & Han, L. (2018). «The smart growth of Chinese cities: Opportunities offered by vacant land», *Land Degradation and Development*, 29(10), 3512-3520. <https://doi.org/10.1002/ldr.3125>.
 - Loukaitou-sideris, A. (1996). Cracks in the city : Addressing the constraints and potentials of urban design, *Journal of Urban Design*, 1(1), 37-41. <https://doi.org/10.1080/13574809608724372>
 - Madanipour, A. (2018). «Temporary use of space: Urban processes between flexibility, opportunity and precarity», *Urban Studies*, 55(5), 1093-1110. <https://doi.org/10.1177/0042098017705546>.
 - Mahmoudi Farahani, L., & Maller, C. (2019). Investigating the benefits of 'leftover' places: Residents' use and perceptions of an informal greenspace in Melbourne, *Urban Forestry and Urban Greening*, 41, 292-302. <https://doi.org/10.1016/j.ufug.2019.04.017>.
 - Millington, N. (2015). From urban scar to 'park in the sky': Terrain vague, urban design, and the remaking of New York City's High Line Park, *Environment and Planning A: Economy and Space*, 47(11), 2324-2338. <https://doi.org/10.1177/0308518X15599294>.
 - Mofidi Shemirani, S.M., & Saeidi Mofrad, S. (2015). An essay on accessing the brownfields redevelopment roadmap appropriate with Iran's condition, *International Journal of Architectural Engineering & Urban Planning*, 25(1), 43-52. <https://doi.org/10.22068/ijaup.25.1.43>.
 - Müller, V., & Busmann, V. (2012). *Spaces Of Uncertainty*. www.edit-revue.com (June 2012)
 - Nasar, J.L. (1998). *The Evaluative Image of the City*. California: Sage Publication.
 - Nasar, J.L. (2014). *The Evaluative Image of the City*. (M. AsadiMahalChali, Trans.). Tehran: Armanshahr Press.
 - Nekhay, O., & Arriaza, M. (2016). How Attractive Is Upland Olive Groves Landscape? Application of the Analytic Hierarchy Process and GIS in Southern Spain. *Sustainability*, 8(11), 1160. <https://doi.org/10.3390/su8111160>.
 - Newman, G.D., Bowman, A.O., Lee, R.J., & Kim, B. (2016). A current inventory of vacant urban land in America, *Journal Of Urban Design*, 21(3), 302-319. <https://doi.org/10.1080/13574809.2016.1167589>.
 - Newman, G.D., Gu, D., Kim, J.H., Bowman, A.O.M., & Li, W. (2016). Elasticity and urban vacancy: A longitudinal comparison of US cities, *Cities*, 58, 143-151. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2016.05.018>.
 - Özkan, S.Ö. (2010). Appropriation and allocation in the (re)production of public spaces: a survey on three cases from ankara, Master Thesis in Architecture, Middle East Technical University, Turkey.
 - Pällagst, K., Fleschurz, R., & Trapp, F. (2017). Greening the shrinking city-policies and planning approaches in the USA with the example of Flint, Michigan, *Landscape Research*, 42(7), 716-727. <https://doi.org/10.1080/01426397.2017.1372398>.
 - Pearsall, H., & Lucas, S. (2014). Vacant land: The new urban green?, *Cities*, 40, 121-123. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2013.10.001>.
 - Pescharadt, K.K., Stigsdotter, U.K., & Schipperrijn, J. (2014). Identifying Features of Pocket Parks that May Be Related to Health Promoting Use. *Landsc. Res.* 41, 79-94. <https://doi.org/10.1080/01426397.2014.894006>
 - Saaty, T., & De Paola, P. (2017). Rethinking design and urban planning for the cities of the future. *Buildings*, 7(3), 76-98. <https://doi.org/10.3390/buildings7030076>.
 - Seymour, W.N. (1969). *Small urban spaces: The philosophy, design, sociology, and politics of vest-pocket parks and other small urban open spaces*. New york: New york University Press.
 - Shinew, K.J., Glover, T.D., & Parry, D.C. (2004). Leisure Spaces as Potential Sites for Interracial Interaction: Community Gardens in Urban Areas. *J. Leis. Res.* 36, 336-355. <https://doi.org/10.1080/00222216.2004.11950027>
 - Sperandelli, D.I., Dupas, F.A., & Pons, N.A.D. (2013). Dynamics of urban sprawl, vacant land, and green spaces

- on the metropolitan fringe of São Paulo, Brazil, *Journal of Urban Planning and Development*, 139(4), 274-279. [https://doi.org/10.1061/\(ASCE\)UP.1943-5444.0000154](https://doi.org/10.1061/(ASCE)UP.1943-5444.0000154).
- Thompson, C.W. (2002). Urban open space in the 21st century. *Landscape and Urban Planning*, 60(2), 59-72. [https://doi.org/10.1016/S0169-2046\(02\)00059-2](https://doi.org/10.1016/S0169-2046(02)00059-2).
 - Torres, A.C., Prevot, A.C., & Nadot, S. (2018). Small but powerful: The importance of French community gardens for residents, *Landscape and urban planning*, 180, 5-14. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2018.08.005>.
 - Trancik, R. (1986). *Finding lost space*. New York: Routledge Taylor & Francis Group.
 - Turner, V. (1967). *Betwixt and Between: The Liminal Period in Rites de Passage*, In *The forest of symbols: aspects of Ndembu ritual*, New York, Cornell University Press.
 - Zhang, L., & Klenosky, D.B. (2016). Residents' perceptions and attitudes toward waste treatment facility sites and their possible conversion: A literature review, *Urban Forestry and Urban Greening*, 20, 32-42. <https://doi.org/10.1016/j.ufug.2016.07.016>.
 - Zhang, Z., Meerow, S., Newell, J.P., & Lindquist, M. (2019). Enhancing landscape connectivity through multifunctional green infrastructure corridor modeling and design, *Urban Forestry and Urban Greening*, 38, 305-317. <https://doi.org/10.1016/j.ufug.2018.10.014>

<p style="text-align: center;">نحوه ارجاع به این مقاله</p> <p>نقیبی، مریم، اخلاصی، احمد و فیضی، محسن. (۱۴۰۰). بررسی ترجیحات کاربران در ارائه‌ی راهبردهای مداخله در فضای رهاشده به عنوان یک پارک جیبی. نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۴(۳۷)، ۲۶۹-۲۸۲.</p> <p>DOI: 10.22034/AAUD.2020.240898.2269 URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_147104.html</p>	
<p>COPYRIGHTS</p> <p>Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open- access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.</p> <p>http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/</p>	